



لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (27)

حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود] شما بدون شك به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن] کوتاه کرده‌اید با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست و غیر از این پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد(27)

سوره : الفتح

پیش از فتح مکه نیز خدای سبحان ورود با امنیت مسلمانان به مسجدالحرام و انجام "عمرة القضاء" و نیز پیروزی و فتح مکه را در رؤیا به رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) نوید داد: **لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا** "سوره‌ی فتح، آیه‌ی 27 .

رؤیایی که خدای سبحان به رسول خود نشان داد این بود که مسلمانان با امنیت کامل و بدون خوف و ترس، وارد مسجدالحرام می شوند و عمره‌ی خود را بجا می آورند و پس از آن نیز فتح مکه نصیب آنان می گردد و این خواب را خداوند در این کریمه، تصدیق می فرماید و آن را درست و قطعی می داند .

رؤیا و خواب پیامبر هیچ گاه نادرست در نمی آید؛ زیرا رؤیای معصوم مانند بیداری اوست و به همین جهت پیامبر گرامی اسلام فرمودند: **تنام عینای ولا ینام قلبی** . (2) "چشم" در اینجا کنایه از "جسم" است و "قلب" به معنای روح، و معنای این کلام نورانی آن است که اگرچه بدنم می خوابد ولی روح من بیدار است .

البته روح هیچ‌کس نمی خوابد؛ زیرا موجود مجرد همیشه بر یک حال است ولی چون " غفلت" و "جهل" نوعی خواب روح است، روح افراد غیر معصوم در اثر غفلت و جهل به خواب می رود اما روح بزرگ معصومان مطهر، هیچ گاه غفلت و جهل نمی گیرد، از این جهت آن حضرت فرمود: روح من نمی خوابد و بیدار است .

قرآن کریم در جای دیگر نیز وعده‌ی فتح مکه را چنین نوید می دهد: **إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيْهِ مَعَادٍ** "سوره‌ی قصص، آیه‌ی 85: گرچه تو را امروز مجبور کرده اند که از

مکه هجرت کنی و از خانه و کاشانه ات دور شوی ولی ما تو را به طور قطع، نصرت می دهیم و فاتحانه به موطن خود باز می گردانیم.

شرح کامل فتح مکه:

از بزرگترین حوادث سال هشتم هجرت فتح مکه معظمه بود که شیرازه شرك را از هم پاشید و دشمنان را ماء‌یوس و مسلمانان را به بقای اسلام نوید داد، و از آن پس قبائل عرب گروه گروه به مدینه آمده و اسلام آوردند، به طوری که در يك سال بیشتر از سی قبیله به آیین اسلام مشرف شدند، و آیه یدخلون فی دین الله افواجا مصداق و تحقق یافت.

سوره مبارکه نصر که به طور نزدیک به یقین، بعد از صلح حدیبیه و قبل فتح مکه نازل گردیده از دو واقعه بسیار مهم خبر داده بود یکی فتح مکه، دیگری پذیرفتن اسلام توسط قبائل عرب، مکه مشرفه در سال هشتم فتح گردید، و قبائل در سال نهم اسلام آوردند، سوره مبارکه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم - اذا جاء نصرالله و الفتح - و راء یت الناس یدخلون فی دین الله افواجا - فسبح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا.

در سال هشتم هجری که سپاه اسلام پس از جنگهای متعدد کوچک و بزرگ ورزیده و از نظر تعداد نیز زیاد شده بود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لازم دانست که بسوی مکه رفته و شهر و مولد خود را که در اثر توطئه قریش شبانه از آنجا هجرت کرده بود تصرف کند .

مدت سیزده سال پیغمبر صلی الله علیه و آله در شهر مکه مشرکین قریش را بتوحید و خدا پرستی دعوت کرده و نه تنها از این دعوت نتیجه‌ای حاصل نشده بود بلکه در ایذاء و آزار او هم نهایت کوشش را بعمل آورده بودند پس از هجرت بمدینه مشرکین مکه دائماً با مسلمین در حال مبارزه و زد و خورد بودند .

مسلمین مهاجر که بحال ترس و زبونی شبانه از مکه فرار کرده و بمدینه رو آورده بودند اکنون موقع آن رسیده است که با صولت و عظمت در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد مکه شوند .

بعضی از مسلمین در اندیشه فرو رفته و از کار خود بیمناک بودند ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را بفتح و پیروزی بشارت می‌داد زیرا وعده فتحی را که خداوند باو فرموده بود از این آیه استنباط میکرد :

لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين. (1)

همچنین سوره نصر نیز که پیش از فتح مکه نازل شده بود بفتح مکه و اسلام آوردن مردم آن شهر دلالت داشت .

هدف اصلی پیغمبر صلی الله علیه و آله این بود که فتح مکه با احترام خانه خدا که در آن شهر واقع است بدون جنگ و خونریزی انجام شود بدین جهت ابتدا اندیشه خود را در مورد حرکت بسوی مکه و زمان آن را از مسلمین پنهان می‌داشت که میباید این موضوع باطلاع قریش برسد و تنها کسی را که امین و راز دار خود دانسته و با او مشورت میکرد علی علیه السلام بود ولی پس از مدتی چند نفر از اصحاب را نیز از این مطلب آگاه گردانید. یکی از مهاجرین بنام حاطب که در مکه اقوامی داشته و از مقصود پیغمبر با خبر شده بود نامه‌ای نوشته و آنرا بوسیله زنی بمکه فرستاد و قریش را از تصمیم پیغمبر آگاه نمود .

خداوند تعالی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از ماجرا آگاه ساخت و آنحضرت علی علیه السلام را با زبیر برای استرداد نامه بسوی آن زن فرستاد و آنها در راه باو رسیده و نامه را باز گرفتند. (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوائل رمضان سال هشتم هجری با سپاهیان خود که از مهاجر و انصار تشکیل شده و بالغ بر دوازده هزار نفر بودند بقصد فتح مکه از مدینه خارج گردید

چون به نزدیکی‌های مکه رسید عباس بن عبد المطلب برای ترسانیدن قریش از کثرت سپاهیان اسلام که با ساز و برگ کامل مجهز بودند بسوی مکه شتافت اهالی مکه نیز از آمدن پیغمبر کم و بیش آگاه بودند بدینجهت ابوسفیان برای کسب اطلاع از مکه بیرون آمد و در راه به عباس رسید .

عباس بن عبد المطلب کثرت مسلمین مخصوصا ایمان قوی و روح سلحشوری آنها را به ابوسفیان نقل کرد و او را از عواقب وخیم مقاومت در برابر سپاهیان اسلام بر حذر داشت و قانعش نمود که بخدمت رسیده و تسلیم شود .

ابوسفیان از روی اضطراب و ناچاری پذیرفت و به حمایت عباس از میان دریای سپاه در حالیکه از قدرت و شوکت آن متحیر شده بود گذشته و بخدمت پیغمبر رسید و پس از مختصر گفتگو اسلام آورد .

ابوسفیان که مدت 21 سال کفار قریش را علیه آنحضرت تحریک و تجهیز میکرد اکنون در برابر آن قدرت و عظمت سر تسلیم فرود آورده و با دیده اعجاب و شگفتی بان سپاه منظم و منضبط مینگرد و انتظار عفو و بخشش از گذشته را دارد. پیغمبر اکرم بنص قرآن کریم دارای خلق عظیم و رحمة للعالمین بود (3) ابوسفیان را بمکه فرستاد تا برای کسانی که اسلام آورده‌اند امان بگیرد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم را که ابتداء در دست سعد بن عباده بود (از این نظر که او ممکن است با اهالی مکه با خشونت و جدال رفتار کند) بدست علی علیه السلام داد و با سپاه مسلمین در حالیکه جاه و جلال آنها چشم هر بیننده را خیره و مبهوت میکرد وارد مکه شد و در مقابل درب کعبه ایستاد و گفت :

لا اله الا الله وحده وحده صدق وعده و نصر عبده ...

آنروز اولین روزی بود که شعائر توحید و خدا پرستی علنا در مکه اجرا گردید و بانگ اذان بلال که بر فراز کعبه ایستاده بود با آهنگ دلنشین در فضای مکه طنین‌انداز شد و مسلمین به پیغمبر صلی الله علیه و آله اقتداء کرده و نماز خواندند سپس آنحضرت اهل مکه را که منتظر عقوبت و انتقام از جانب او بودند مورد خطاب قرار داد و فرمود: ماذا تقولون و ماذا تظنون؟ در حق خود چه میگوئید و چه گمان دارید؟

گفتند: نقول خیرا و نظن خیرا اخ کریم و ابن اخ کریم و قد قدرت، سخن بخیر گوئیم و گمان نیک داریم برادری کریم و برادر زاده کریمی و بر ما قدرت یافته ای .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از کلام آنان رفتی روی داد و فرمود: من آنگویم که برادرم یوسف گفت لا تتریب علیکم الیوم .

آنگاه فرمود: اذهبوا فانتم الطلقاء- بروید که همه آزادید. (4)

این عفو عمومی در روحیه اهالی مکه تأثیر نیکو بخشید و همه بی اختیار محبت آنحضرت را در دل خود جای دادند .

آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله دستور داد تمام بت‌ها را شکستند و علی علیه السلام را همراه خود بداخل کعبه برد و هر چه بت و آثار بت پرستی بود از میان برده و آنها را در هم شکسته و بیرون ریختند .

از جمله صفات عالیه علی علیه السلام بت شکنی اوست که بهیچوجه حاضر نبود مظاهر شرک و کفر را در بین مردم مشاهده کند و چون بعضی از بت‌های بزرگ مانند هبل بر فراز کعبه نصب شده بود علی علیه السلام بدستور پیغمبر اکرم پای بر دوش آن بزرگوار نهاده و آنها را سرنگون ساخت و ساحت مقدس کعبه را از لوث بت پرستی پاک گردانید .

(1)سوره مبارکه فتح آیه 27 .

(2)تاریخ طبرر سیره ابن هشام جلد 2 ص 398- ارشاد مفید - اعلام الوری .

(3)و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين (سوره انبياء آیه 107) و انك لعلى خلق عظيم(سوره ن آیه 4).

(4)تاریخ طبری - منتهی الامال.

منبع: [اثبات اعجاز علمی قرآن کریم](#)

<http://islam-pdf.persiangig.ir>